



درباره میانبرهای زندگی و توفیق‌های اجباری

مراقب باشید با مخ به زمین نخورید!

■ **مرضیه بامیری**

این روزها آدم‌ها در زندگی‌شان سرازیری‌های زیادی تجربه می‌کنند. زندگی برای خیلی‌ها پسان بالا رفتن از یک سطح شیبدار پر از سنگلاخ است که آدم را از نفس می‌اندازد تا به مقصد برساند. یکی در سراشیبی اقتصاد گیر کرده و نای بالا رفتن ندارد و زورش به سنگ‌ریزه‌هایی که فقط پول را می‌شناسند، نمی‌رسد و در مانده شده است. یکی زورش به تربیت بچه‌هایش نمی‌رسد. نسل به اصطلاح خودشان گنگ که همان خفن خودمان است. خیلی عجیب و بیچیده‌اند و خیلی از والدین در ار تباط با آنها در سربالایی بحران قرار دارند. یکی هم همین حالا در سربالایی بیماری قرار دارد و باید با یک ویروس جدی با بیماری سخت مقابله

■ **ناگهان یک ارث قلنبه می‌رسد**

همه ما در این شرایط یکسان زندگی می‌کنیم و زندگی برای همه دشواری‌های خودش را دارد. ولی این وسط برای بعضی‌ها یک راه میانبر ایجاد می‌شود و در میانه راه بهشان یک ارث قلنبه می‌رسد. یکی یکپو صاحب خانه می‌شود. یکی ماشین می‌خرد و یکی بازار کسب و کار راه می‌اندازد. یکی پول هنگفت به حسابش می‌آید و خلاصه ره صد ساله را یک شبه طی می‌کند.

اگر شما در این دسته از افراد قرار دارید، بهتر است مراقب آورده طبیعی خود باشید. شما می‌توانید با آن پول هر کاری بکنید. حالا اینکه چه کنید به قدرت اختیار شما بستگی دارد. اینکه دیگران را در این پیروزی سهمین نامید یا نه بستگی به روحیه نوع‌دوستی شما دارد. اگر پس هستید و طبق قانون به شما ارث بیشتری رسیده میل خودتان است که آن را به طور مساوی با خواهرتان تقسیم کنید یا نه. انتخاب با شماست! اینکه خوشگذران کنید یا یک کار آفرین دغدغه‌مند باشید. ارث را آتش نزنید یا معامله بر سودی برای دنیا و آخرت خود مهیا کنید.

■ **به واسطه آشنابازی کاری خوب پیدا می‌کنید**

شما و چند نفر دیگر با هم برای یک مصاحبه استخدام به شرکتی معتبر می‌روید. در این میان شما با یک واسطه به مدیر شرکت معرفی شده‌اید. در واقع با شما در مقام مهمان برخورد می‌شود و ممکن است پذیرایی هم بشوید. برنده این

برنده این

برنده این

برنده این

برنده این

برنده این

برنده این

برنده این

برنده این

داستان‌های زندگی **امیرالمؤمنین(ع)** اسطوره‌ای از عدالت برای ما ترسیم می‌کند که دیگر تکرار نخواهد شد. **عدالتی که جز رضایت خدا به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشد.** در حکایات پیش‌رو تنها قطره‌ای از دریای عدالت علوی روایت شده است.

■ ■ ■

■ **مهمان قاضی**

مردی به عنوان یک مهمان عادی، بر امام علی (ع) وارد شد. روزها در خانه آن حضرت مهمان بود، اما او یک مهمان عادی نبود. چیزی در دل داشت که ابتدا اظهار نمی‌کرد. حقیقت این بود که این مرد، اختلاف‌دعوایی با شخص دیگری داشت و منتظر بود طرف حاضر شود و دعوا در محضر امام علی (ع) طرح شود. تازوی خودش برده برداشت و موضوع اختلاف و محاکمه را عنوان کرد. امام علی (ع) فرمودند:
– پس تو فعلاً طرف دعوا هستی؟

–جلی یا امیرالمؤمنین.

–خیلی معذرت می‌خواهم. از امروز دیگر نمی‌توانم از تو، به عنوان مهمان پذیرایی کنم، زیرا پیغمبر اکرم (ص) فرموده است:هر گاه دعوایی نزد قاضی مطرح‌است، قاضی حق ندارد یکی از متخاصمین را زیارت کند، مگر آنکه هر دو طرف با هم در مهمانی حاضر باشند.

■ **امانت از بیت‌المال**

ایام عید بود. در این ایام زن‌ها جوهرات و زیورآلات خود را مورد استفاده قرار می‌دهند. دختر حضرت علی(ع)م کلثوم به خزانه‌دار بیت‌المال پیام فرستاد و گفت: اگر در بیت‌المال از جوهرات چیزی نزد توست به صورت امانت برای من بفرست تا در روزهای عید استفاده کنم بعداً پس می‌دهم. خزانه‌دار که شیدای خالص و پاک بود و علاقه زیادی به امام علی(ع) داشت فوراً اطاعت کرد و گردنبدی برای ام کلثوم

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

سبک مراقبت

د

بعضی‌ها با نفوذ کسب و کار راه می‌اندازند. تجارت راه می‌اندازند و بدون سنگ اندازی‌های معمول اداری به خواسته‌های خود می‌رسند. آنها به آرزوهای ریز و درشت خود می‌رسند، در حالی‌که از میانبرها چیزی از دیگران افزون‌تر ندارند



کند و جان سالم بدر ببرد، ولی به قول معروف پس از هر سربالایی یک سرازیری هست که خستگی را از تن بدر کند و لباس شادی و آرامش بر تن بنشانند. سربالایی‌ها راه همه می‌شناسند، اصل‌گر آدم‌ها از ما برای خودمان یک یا هم‌نوردیم در پیموند مسیر سخت زندگی، ولی شناختن سرازیری‌هاست که هنر می‌خواهد. اینکه حالا در سرازیری موفقیت افتادیم یا جایی درِی از حکمت‌به رویمان باز شد و توفیق اجباری به دست آوردیم، چه کنیم تا باز هم به سلامت مسیر را طی کنیم. این سرازیری‌ها در زندگی همه رخ داده است. فقط کافی است با دقت آن را بنگریم و وا‌کاوِی کنیم. شما اگر در سراشیبی افتادی، چطور بقیه را با خودت همراه می‌کنی؟ اصلاً کسی را در دویدن به سمت پایین با خودت می‌بری؟

سابقه کافی داشته باشد. یکی یک شبه رئیس می‌شود بی‌آنکه تا حالا کتابی خوانده یا گروهی هر چند کوچک را مدیریت کرده باشد.

بعضی‌ها با نفوذ کسب و کار راه می‌اندازند. تجارت راه می‌اندازند و بدون سنگ اندازی‌های معمول اداری به خواسته‌های خود می‌رسند. آنها به آرزوهای ریز و درشت خود می‌رسند، در حالی‌که از میانبرها استفاده کرده‌اند و در هوش و توانایی چیزی از دیگران افزون‌تر ندارند.

حالا که با نفوذ، قدرت و شهرت اطرافیان خود به جایی رسیدهای، حواست باشد دچار غرور نشوی که فکر کنی هر چه داری از تلاش و سحرخیزی‌های خودت است. تو در مسیر موفقیت چیزی داشته‌ای که دیگران نداشته‌اند و همین تو را برتر کرده است. پس بهتر است قدر این موقعیت را بدانی و از این فرصت برای موفقیت بهتر و

کمک به بقیه بهره‌بری نه برای تهدید و تحقیر دیگران. شما که بدون هیچ دردسری وام کلان می‌گیری، بهتر است به جای خرید خانه در کشورهای همسایه کسب‌و‌کاری راه بیندازی که حداقل چند نفر آدم معمولی کنارشان بخورند. اگر پدر یا مادر استاد دانشگاه داری، بهتر است از این موقعیت برای رشدت استفاده کنی، نه اینکه فخر بفروشی. درست است که سرازیری و زود رسیدن لذت بخش است، ولی چطور به مقصد رسیدیم هم مهم است. اگر مراقب نباشی با مخ زمین می‌خوری.

راهنما



شایسته‌سالاری در بیانات رهبر معظم انقلاب

نگاه کن ببین چه کسی شایسته‌تر است

شایسته‌سالاری در احراز مسئولیت‌ها و پرهیز از روابط، یازتی‌بازی و سوءاستفاده از قدرت از جمله مهم‌ترین مباحث در نظام اسلامی است. اهمیت این موضوع به قدری است که رهبر معظم انقلاب بارها و بارها در جمع اقشار مختلف بیاناتی ارزشمند و راهبردی در این زمینه داشته‌اند. گزیده‌هایی از این بیانات را در ادامه می‌خوانید.

■ **افضل یعنی شایسته‌تر**

در زمینه شایسته‌سالاری، من باز این حدیث را از پیغمبر اکرم برای شما بخوانم. در فتح مکه، پیغمبر یک جوان ۱۹ساله را حاکم مکه گذاشتند. پیغمبر مکه را از فتح کردند، لازم بود حاکم یا فرمانداری آنجا بگذارند. این همه پیر مردها و بزرگان بودند، اما پیغمبر یک جوان ۱۹ساله را منصوب کرد. بعضی‌ها اشکال کردند که آقا این سنش کم است، چرا او را گذاشتید؟ طبق اِسْن روایت، پیغمبر فرمود: «لا یخْتَجُ منْجَمٌ منکم فی مخالفتہ بصره سنه»؛ کسانی که با انتصاب این شخص برای فرمانداری مکه مخالفتند، استدلالشان را این قرار ندهند که چون سنش کم است، جوان است! این استدلال، دیگری دارید، خیلی خوب، بیایید بگویید؛ اما مکه بودن سن، جوان بودن، استدلال درستی نیست. «فلیس الاکبر هو الافضل بل الافضل هو الاکبر»؛ آن کسی که بزرگ‌تر است، لزوما برتر نیست، بلکه آن کسی که برتر است، در واقع بزرگ‌تر است. افضل، یعنی شایسته‌تر. این شایسته‌سالاری باید رعایت‌شود. شایسته‌تری؟

شود. در همه نظامات جمهوری اسلامی، در قوه مجریه، در قوه مقننه، در قوه قضائیه، در نیروهای مسلح، در نهادهای گوناگون، این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت‌شود. شایسته‌تری؟ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی. این در اسلام خودش اصل است. تمام این تغییرها و تبدیل‌هایی که در اسلام وجود دارد، بر اساس این است.

■ **آفات مسئولیت در نظام مردمی و اسلامی**

آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آرای مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولان به فکر راه شخصی؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافی‌گری به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت به کلی برکنار ماند و مسئولان کشور را هم بارها توصیه می‌کرد که به کاخ‌نشینی و اشرافی‌گری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند، با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند. ماها که آن روز جزو مسئولان بودیم، امام دوست که با مردم ارتباط داشته باشیم، مانوس باشیم، اصرار داشت که خدمات به اقصی نقاط کشور برده شود؛ مردم نقاط دور، از خدمات عمومی کشور بهره‌مند شوند. اینها ناظر به آن بعد عدالت امام بزرگوار بود. امام اصرار داشت که مسئولان از میان مردم انتخاب شوند، از خود مردم باشند، وابستگی‌ها ملاک قبول مسئولیت‌ها نباشند. وابستگی‌ها شخصیت‌ها، به فامیل‌ها، بلای هزار فامیلی که در دوران قاجار و دوران پهلوی بر سر این کشور آمد، امام بزرگوار ما رانسیب به این قضیه حساس کرده بود. گاهی در مقام تعریف از یک مسئولی می‌گفتند: این از دل مردم برخاسته است. ملاک را این می‌دانستند. آن‌ نظر امام بزرگوار، تکیه به ثروت و تکیه به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خط‌های بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود. خوب، اینها ابعاد خط امام است.

■ **بزرگ‌ترین فسادها تبعیض در اجرای قانون است**

اساسی اصلاحات این است که ما با فقر، فساد و تبعیض مبارزه کنیم. هر اصلاحاتی – اگر واقعاً اصلاحات باشد – بر محور این می‌چرخد. بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت‌المال مردم برای منافع شخصی و برکردن جیب خود تغذیه کنند. بزرگ‌ترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگی‌ها، همان فقر و فساد و تبعیضی که بارها عرض کرده‌ایم، مردم تأیید کردند که مبارزه با اینها، همان اصلاحات واقعی است.

■ **از آدم‌های خوب و توانا استفاده کنیم**

گزینش سخت است. آدم کنار که نشست، عیب‌ها را می‌بیند. احیاناً بعضی انگیزه‌ها ممکن است دخالت کند و آدم عیبی را بزرگ‌تر از آنچه که هست، ببیند؛ محسنان را نبیند و مقایسه بین آدم‌های مختلف برایش میسر نباشد. این کار خیلی سختی است. ما سعی‌مان این است که از آدم‌های خوب و توانا استفاده کنیم. البته بعضی‌ها را در جاهایی می‌گذاریم، اما بعد از مدتی احساس می‌کنیم که مناسب آنجاها نیستند؛ طبیعتاً آنها را برمی‌داریم؛ از این کارها هم بلدیم. این‌طور آزمایش آنها را انتخاب کن؛ یعنی نگاه کن بین چه کسی شایسته‌تر است. همین شایسته‌سالاری که امروز بر زبان ماها تکرار می‌شود، به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد. امیرالمؤمنین (ع) هم در اینجا به آن سفارش می‌کنند. «و

■ **نگاه کن ببین چه کسی شایسته‌تر است**

■ **نگاه کن ببین چه کسی شایسته‌تر است**

■ **نگاه کن ببین چه کسی شایسته‌تر است**